

فرماندهی معظم کل قوا: «یک ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت می‌رسد، هم به استغنائی سیاسی می‌رسد، هم آبرومند می‌شود، هم دستش قوی می‌شود. به خاطر کلیدی بودن مسئله پیشرفت علم و فناوری، من نسبت به این مسئله حساسم». (۱۳۹۱/۱/۱)

شناسایی و دسته‌بندی بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در

منطقه شرق و جنوب شرق ج.ا.ایران

سیدعلیرضا قاضی میرسعید^۱، حمیدرضا فرتوک‌زاده^۲، حسین ولیوند زمانی^۳، سیداصغر جعفری^۴ و ابوالفضل باقری^۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های جنگ‌های آینده، تکرر در بازیگران و نیروهای نظامی درگیر در جنگ است. بازیگر عبارتست از گروه، حزب یا کشوری که بتواند اهداف سازمان و یا کشور دیگری را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین بازیگران جنگ آینده، کنشگرانی هستند که مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ آینده علیه ج.ا.ایران شرکت می‌کنند. تحلیل بازیگر، مجموعه‌ای از روش‌هاست که بتواند بازیگران یک فعالیت مشارکتی و اجتماعی را به شکل نظام‌مند شناسایی و تحلیل نمایند و برگزاری کارگاه‌های مشورتی با گروه‌های همگن و مصاحبه با خبرگان از روش‌های تحلیل بازیگر می‌باشد که مورد استفاده قرار گرفته است؛ تحقیق کاربردی پیش‌رو با رویکرد کیفی و با هدف شناسایی و دسته‌بندی بازیگران اصلی، تعیین نقش و روابط درونی و بیرونی آنها در مناقشه و جنگ زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق کشور، با توجه به روندهای موجود انجام گرفته است. بازیگران اصلی در پنج دسته قدرت‌های مداخله‌گر و رقیب، گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی و فروملی و تجزیه‌طلبان طبقه‌بندی گردیده و سپس نقش بازیگران و روابط بین آنها مشخص شد.

واژگان کلیدی: جنگ آینده، تحلیل بازیگر، امنیت جنوب شرق ایران، بازیگران جنگ

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه صنعتی مالک اشتر و مربی دانشگاه امام علی^(ع) (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۳. استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

۴. استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۵. استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

ظهور برخی روندها مانند گسترش بحران اقتصادی در جهان، کمبود منابع آب و همچنین گسترش دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی با فناوری‌های نوین، موجب افزایش تهدیدهای خارجی از جانب بازیگران دولتی و غیردولتی علیه امنیت ملی همه کشورها از ضعیف‌ترین تا قوی‌ترین از نظر قدرت نظامی گردیده است. این روندها احتمال وقوع جنگ‌های نوینی که دارای بازیگران بسیار متنوعی از نظر هدف، سطح دسترسی به تسلیحات و فناوری و شیوه جنگیدن هستند را افزایش می‌دهد؛ بنابراین از یکسو احتمال دارد کشورها با دشمنی که نیروی بزرگی داشته و کاملاً مجهز و مسلح هستند روبرو شوند و از سوی دیگر ممکن است شورشیان و گروهک‌های تروریستی مختلف که به ملت و دولت مشخصی تعلق نداشته و ساختار، تجهیزات، جهان‌بینی و آموزش متفاوتی دارند، در برابر کشورهای مختلف قرار گیرند؛ بنابراین ماهیت درگیری‌ها در آینده ترکیب پیچیده‌ای از هر یک از این دو حالت خواهد بود که همواره میان دو طیف یادشده در نوسان است. (Bowie et al, 2003: 59)

امنیت ملی کشورها نیز به دلیل طیف گسترده‌ای از عوامل نیاز به تعریف مجدد دارد. برخی از این عوامل عبارتند از: افزایش تنش‌های حاصل افراط‌گرایی شدید قومی - مذهبی و تروریسم بین‌المللی به‌ویژه در آسیا، درگیری نظامی - شهری مستمر و وحشیانه در شمال آفریقا، غرب آسیا و آسیای مرکزی؛ بنابراین هر منطقه در حال تجربه تهدیدهای جدیدی است و به شکل‌های جدیدی از امنیت نیاز دارد. این نقش جدید بازیگران غیردولتی و تأکید جدید روی جنگ ناهمگون و رشد مناقشه‌ها و نبردهای شهری، نیاز به تفکر و تجدیدنظر درباره هر شکلی از همکاری و مشارکت در ایجاد امنیت ملی است؛ همچنین باید اقدام‌هایی فراتر از محدودیت‌های انقلاب در امور

نظامی انجام داد که می توان به آن انقلاب در امور نظامی شهری اطلاق کرد. (Cordesman, 2015: 1)

موقعیت ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا و وجود دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای موجب گردیده تا همواره تهدید به گزینه نظامی علیه ایران و در تمامی مرزهای کشور مطرح باشد. بنابراین، ایجاد آمادگی های رزمی و کسب قابلیت های لازم در نیروهای زمینی جهت جلوگیری از غافلگیری در جنگ های زمینی احتمالی آینده، مستلزم شناخت کامل بازیگران احتمالی آن جنگ هاست. در این تحقیق با توجه به گستردگی مرزهای ج.ا.ایران، یکی از مناطق احتمالی جنگ زمینی آینده یعنی منطقه شرق و جنوب شرق کشور مورد مطالعه قرار گرفته است؛ بنابراین مسئله این تحقیق شناسایی و دسته بندی بازیگران اصلی جنگ های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ج.ا.ایران می باشد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت موضوع

نیروهای مسلح کشور از جمله نیروی زمینی در آینده با چالش های جدید، متنوع، پیچیده و نیز غافلگیری احتمالی مواجه هستند که غافلگیری یکی از تبعات بی اعتنائی به آینده است. این روزها در هر بخشی از جهان آتش جنگ و مناقشه ای برپاست، اوضاع کنونی در منطقه غرب آسیا، وجود تحرکات نظامی زیاد در اطراف مرزهای ایران و راهبرد قدرت های بزرگ در مورد مسائل امنیتی - نظامی در این منطقه، وضعیت پیچیده و مبهمی را برای آینده منطقه ایجاد کرده است؛ انجام این تحقیق موجب می شود تا وضعیت یکی از مهم ترین مرزهای کشور برای نیروهای مسلح تا اندازه ای روشن گردیده و آمادگی لازم برای ایجاد بازدارندگی در مقابل دشمنان احتمالی و جلوگیری از غافلگیری فراهم گردد؛ همچنین شناخت دشمنان و بازیگران اصلی جنگ زمینی احتمالی

آینده موجب شناخت قابلیت‌ها و شیوه‌های جنگیدن آنها گردیده و قابلیت‌سازی در مقابل توانمندی‌های دشمنان ساده‌تر است.

عدم توجه به لزوم نوع‌شناسی بازیگران جنگ‌های زمینی آینده علیه ج.ا.ایران، به معنای غفلت از آینده مبهم امنیت مناطق مرزی به‌ویژه منطقه شرق و جنوب شرق کشور خواهد بود؛ بنابراین ممکن است نیروهای مسلح ما، در مواجهه با مناقشه‌های احتمالی آینده که مملو از ابهام، پیچیدگی و عدم قطعیت است، آمادگی لازم را نداشته باشند و در مقابل اقدام‌های متنوع و تجاوزکارانه بازیگران نامشخص احتمالی آینده، دچار غافلگیری راهبردی اطلاعاتی و عملیاتی شوند؛ بنابراین برای ایجاد آمادگی در نیروهای رزمی و تربیت و آموزش صحیح و مناسب افسران به‌ویژه در نیروی زمینی ارتش ج.ا.ایران در جهت دفاع در مقابل تجاوز دشمنان و جلوگیری از غافلگیری، شناسایی کامل بازیگران احتمالی و دسته‌بندی آنها ضرورت دارد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

شفیعی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «تأثیر حضور آمریکا در افغانستان بر امنیت ملی ج.ا.ایران با تأکید بر واقع‌گرایی تهاجمی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ میلادی» آورده‌اند: آمریکا در حمله به افغانستان در ورای اهداف کوتاه‌مدت اعلامی خود که همان مبارزه با تروریسم و از بین بردن نیروهای حامی تروریسم بوده، به دنبال اهداف بلندمدت و اعمالی بود و سیطره‌جویی (هژمونی) خود با رویکرد تهاجمی را پیگیری می‌کرد. در حوزه تهدیدهای امنیتی - نظامی، آمریکا از یکسو با پذیرش ج.ا.ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای اثرگذار، به دنبال چالش‌آفرینی برای نفوذ ج.ا.ایران در منطقه جنوب آسیا، آسیای مرکزی و خلیج فارس می‌باشد و از سوی دیگر با ایجاد پایگاه‌های نظامی به دنبال تنگ‌تر کردن حلقه محاصره ج.ا.ایران است که در شرایط کنونی با حضور گسترده آمریکا در منطقه نفوذ ج.ا.ایران یعنی افغانستان، محیط امنیتی ج.ا.ایران با شرایط تهدیدزای نوین حاصل از

حضور مستقیم نظامی آمریکا و اعمال سیاست‌های تهاجمی آمریکا در افغانستان مواجه شده است.

یافته‌های پژوهش محبوبي و همکارانش (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که جنگ یازده ساله در افغانستان برای مبارزه با تروریسم و پیوستن حکومت پاکستان به جنگ با ترور، امنیت منطقه‌ای را به خطر انداخته است. ناتوانی دولت پاکستان در مهار این پدیده رو به گسترش، زمینه‌ساز دخالت مستقیم ایالات متحده و کشیدن دامنه جنگ افغانستان به خاک پاکستان گردیده است. بی‌ثباتی و ناامنی روزافزون پاکستان و افغانستان بر امنیت ملی ایران آثار نامطلوب خواهد گذاشت.

محرابی و اقتدارنژاد (۱۳۹۳) معتقدند: در حال حاضر پاکستان با سه چالش ژئوپلیتیکی مهم روبرو می‌باشد؛ این سه چالش عبارتند از: تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی - قومی، دولت ضعیف و بحران اقتدار و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای. از سوی دیگر نمی‌توان نقش بحران اقتدار در پاکستان و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در سطح منطقه به بهانه حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در پاکستان و افغانستان و آثار آن بر امنیت ج.ا.ایران را نادیده گرفت. مهم‌ترین چالش برای ج.ا.ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه، جایگاه پاکستان در اراده سیطره‌جویانه ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

محمدحسینی و علیپور (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران»، تهدیدهای امنیتی منطقه را بر اساس شکل‌گیری تهدید در سه سطح تهدید با منشأ داخلی، با منشأ مسائل مرزی و با منشأ خارجی دسته‌بندی کرده و معتقدند: بیشترین اثرگذاری بر امنیت منطقه را به ترتیب تهدیدهای با منشأ مرزی در حوزه نظامی - امنیتی، با منشأ داخلی در حوزه اجتماعی - فرهنگی و با منشأ خارجی در حوزه نظامی - امنیتی دارند.

احمدی‌پور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران» نشان می‌دهد که عوامل داخلی و خارجی هر کدام به سهم خود در ایجاد ناامنی جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان) مؤثر می‌باشند؛ اما سهم عوامل خارجی بیش از عوامل داخلی است.

باید اذعان نمود که هیچ کدام از تحقیقات یادشده، بازیگران نظامی جنگ‌های آینده علیه ج.ا.ایران در منطقه شرق و جنوب شرق کشور را مورد واکاوی قرار نداده و تنها به بررسی تهدیدهای امنیتی و عوامل ناامنی در این منطقه از کشور پرداخته‌اند. بنابراین پژوهش یادشده به دنبال شناسایی بازیگران احتمالی جنگ زمینی آینده و تعیین نقش و روابط بین آنها در منطقه شرق و جنوب شرق کشور می‌باشد.

۱-۴. سؤال‌های تحقیق

۱-۴-۱. سؤال اصلی

* بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران در منطقه شرق و جنوب شرق ایران و دسته‌بندی آنها کدامند؟

۱-۴-۲. سؤال‌های فرعی

۱. نقش هر یک از بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران چیست؟
۲. روابط حاکم بین بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران چیست؟

۱-۵. اهداف تحقیق

۱-۵-۱. هدف اصلی

* شناخت بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده علیه ایران در منطقه شرق و جنوب شرق ایران و دسته‌بندی آنها.

۲-۱-۵. اهداف فرعی

۱. تعیین نقش هر یک از بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران.
۲. تعیین روابط حاکم بین بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران.

۶-۱. روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد کیفی انجام شده و از نوع کاربردی است و از روش تحلیل بازیگر برای تجزیه و تحلیل نتایج استفاده گردیده است.

۱-۶-۱. شیوه گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها از دو طریق انجام گرفت: ابتدا، یک پنل تخصصی با ۱۱ میز دو تا شش نفره از استادان دانشگاه جنگ ارتش تشکیل شد که برای هر ۱۱ میز در پنل، در سه مرحله، سه سؤال طرح گردید و در هر مرحله از میزها خواسته شد تا نظر خبرگی خود را برای همگی اعضای پنل بیان نمایند. در پایان نیز پس از دریافت یک نسخه از پاسخ‌ها، از آنها خواسته شد تا دوباره سؤال‌ها را به صورت جداگانه بررسی نمایند و سپس پاسخ‌ها گردآوری گردید.

در مرحله اول از میزها خواسته شد تا یکی از مسئله‌خیزترین مناطق مرزی کشور را که شکل‌گیری جنگ آینده در آن محتمل‌تر است را انتخاب نمایند که شش میز از یازده میز، منطقه شرق و جنوب شرق کشور را به عنوان مسئله‌خیزترین منطقه انتخاب کردند، بنابراین از پاسخ‌های این شش میز برای ادامه تحقیق استفاده گردید و در شیوه دوم با تعداد ۹ نفر از مسئولان ارشد مرتبط با موضوع تحقیق که حداقل یکسال در منطقه مورد مطالعه حضور کاری داشته‌اند مصاحبه نیمه ساخت یافته انجام شد.

قلمرو مکانی این تحقیق شامل منطقه شرق و جنوب شرق کشور و قلمرو زمانی ۱۰ سال آینده را در نظر دارد و قلمرو موضوعی شامل بازیگران نظامی جنگ‌های آینده در این منطقه است. همچنین بازیگر به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده که تعریف عملیاتی آن عبارتست از آمریکا، رژیم صهیونیستی، ناتو، کشورهای همسایه و سایر کنشگرانی که از ایجاد جنگ علیه ج.ا.ایران نفع می‌برند یا اثر می‌پذیرند و ج.ا.ایران متغیر وابسته یا تابع بوده که دارای ۵۴۴۰ کیلومتر مرز زمینی مشترک است (۹۳۶ کیلومتر با افغانستان و ۹۰۹ کیلومتر با پاکستان). جنگ زمینی متغیر تعدیل‌کننده می‌باشد که تعریف عملیاتی آن عبارتست از جنگ‌هایی که توسط نیروی زمینی و با پشتیبانی نیروی هوایی و دریایی و پدافند هوایی انجام می‌گیرد.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. جنگ آینده

این نوع جنگ، بر اساس نظر خبرگان، نوعی الگوی جنگی تأثیرمحور است که به‌صورت مردم‌پایه در محیط سیال جغرافیایی با محوریت گروه‌های ملی، فراملی و فروملی انجام می‌شود. عملیات تأثیرمحور عملیاتی است که بر اساس درک کلیت‌گرا و کلی‌نگر به‌منظور اعمال نفوذ یا تغییر رفتار با توانمندی‌های نظام با استفاده از کاربرد ترکیبی و یکپارچه ابزارهای قدرت ملی برای دستیابی به اهداف سیاسی، هدایت شده، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و انطباق می‌یابد. در جنگ‌های آینده که بیشتر نیابتی هستند، ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی به‌جای مداخله اولیه مستقیم نظامی در مناطق هدف، گروه‌ها و کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر و هم‌پیمانان را به نیابت از خود، به وادی عملیات نظامی کشانده و در پس پرده، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی خود را از ایشان به‌عمل می‌آورند. چنانچه گروه‌ها یا کشورهای نایب در جنگ، در رسیدن به

اهداف خود و کشورهایی که به نیابت از آنها وارد جنگ شدند، موفق نباشند، آن موقع است که کشورهای اصلی و قدرتمند ابتدا حمایت‌های خود را بیشتر و روش‌های حمایتی خود را گسترده‌تر می‌کنند و در نهایت اگر موفق نشدند، خودشان وارد میدان می‌شوند تا کار را تمام کنند. (مطالعات گروهی، ۱۳۹۳: ۲۷۵)

جنگ آینده از طریق هم‌افزایی قابلیت‌های دفاعی - امنیتی و اشراف اطلاعاتی در صحنه‌های سیال جغرافیایی و شبکه‌ای به شکل ناهمگون و ائتلافی انجام می‌شود. این جنگ، نوعی عملیات تأثیرمحور و غافلگیرکننده است که با مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ و استفاده حداقلی از نیروی زمینی با به‌کارگیری گروه‌های فراملی و فراملی شکست راهبردی دشمن و نابودی زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی اجرا می‌شود. (رشید و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵) ماهیت جنگ شامل چرایی، چیستی و چگونگی است. وجه تمایز جنگ‌ها، چگونگی است؛ بنابراین باید به دنبال چگونگی اجرای جنگ آینده بود.

بازیگران احتمالی جنگ آینده، برای ادامه بقا در فضای رزم آینده، باید به چهار اصل مهم تفکر تأثیرمحور، الگوی رفتار شبکه‌محور، ساختار انعطاف‌پذیر و پیچیده و ترکیب خلاقانه فناوری‌های نرم و سخت توجه ویژه داشته باشند. جنگ آینده بر اساس ویژگی‌های نسل چهارم جنگ و سبک غیرکشنده که نوعی از الگوی عملیات تأثیرمحور است، به صورت مردم‌پایه اجرا می‌شود. مهم‌ترین الگوهای حاکم بر جنگ آینده، الگوی جنگ شبکه‌محور، الگوی عملیات تأثیرمحور و الگوی جنگ دانش‌بنیان (جنگ دانشی) است. (رشید و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶)

۲-۱-۲. ویژگی‌های جنگ آینده

ویژگی‌های عمومی و راهبردی جنگ آینده (خودی و دشمن) عبارتند از:

- * هم‌افزایی، درهم تنیدگی و اثرگذاری متقابل تهدیدهای نظامی با تهدیدهای امنیتی؛
- * قدرت غافلگیری بالا (فریب، قدرت مخفی‌سازی، تهاجم دور از انتظار، استقرار دور)؛

- * اشرف اطلاعاتی با توجه به امکانات گسترده در فضا، هوا، زمین و دریا؛
- * عملیات پرشدت و متمرکز در زمان کوتاه (گریز از فرسایشی شدن جنگ)؛
- * گستردگی عملیات از نظر جغرافیا و بعد مکان (سطح، زیرسطح، فضا و هوا)؛
- * فرماندهی و واپایش برخط و فناوری محور بودن؛
- * تکیه بر عملیات ویژه چندنیروی؛
- * گسترش و سیالیت صحنه جغرافیایی جنگ؛
- * تلفیق توانمندی‌ها (سخت، نرم و نیمه‌سخت)؛
- * حمله به توانمندی‌های راهبردی و مراکز ثقل دشمن؛
- * بهره‌گیری از عملیات روانی گسترده با استفاده از فنون فضای مجازی و رسانه‌ای؛
- * کاهش چرخه زمان اطلاعات و زمان اجرای عملیات؛
- * افزایش دقت هدف‌گیری و هوشمندشدن سلاح‌ها (کاهش استفاده از هواپیماها و مهمات)؛
- * نزدیکی سطوح راهبردی، عملیاتی و راهکنشی جنگ؛
- * همزمانی عملیات در سطوح راهبردی، عملیاتی و راهکنشی؛
- * عملیات نظامی تأثیرمحور با تمرکز بر نقاط ثقل و ستون فقرات دشمن؛
- * دورایستایی جنگ آینده؛
- * ارزش محوری و آرمانی بودن (ایدئولوژی و اهداف بلندمدت)؛
- * مردم پایه بودن؛
- * دریاپایه و هوایه بودن (استفاده حداقلی از نیروی زمینی)؛
- * استفاده از گروه‌های تروریستی فراملی و فروملی در محیط قومی - مذهبی؛
- * خصوصی‌سازی و استفاده از توان شرکت‌های امنیتی؛
- * شناخت محور بودن (با استفاده از علوم شناختی)؛
- * ناهمگون بودن، نابرابر بودن و قابلیت محور بودن؛

* بسیج توانمندی‌ها و مؤلفه‌های قدرت ملی؛

* متنوع شدن محیط تهدیدها و نوع عملیات. (رشید و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴)

۳-۱-۲. ویژگی‌های راهبردی، بنیادی و کلان

* اقتدار اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

* مرجعیت علمی - فناوری و نهضت نرم‌افزاری

* فرماندهی و واپایش مستقل و انسجام ملی

* آمادگی دفاعی و بسیج مردمی (دفاع مردم‌پایه)

* اسلام‌محوری و تفکر بسیجی و ولایتمداری

* اشراف بر تهدیدها و جلوگیری از غافلگیری. (کلانتری، ۱۳۹۵: ۹۳)

۴-۱-۲. جنگ زمینی آینده

به‌گفته متخصصان جنگ‌های زمینی، صرف‌نظر از دگرگونی‌های پدید آمده در عرصه فناوری‌های پیشرفته، هنوز این نیروهای زمینی هستند که باید به اهداف نظامی دست یابند. بیشتر جنگ‌هایی که پس از پایان جنگ سرد تاکنون رخ داده، وابسته به نیروهای زمینی بهره‌مند از پشتیبانی سایر نیروها بوده است؛ اما جنگ‌های زمینی آینده متأثر از تحولاتی است که در سرشت جنگ در ابعاد گوناگون رخ می‌دهد و این تحولات سبب می‌گردد تا شیوه‌های پیشین جنگیدن و هدایت عملیات نظامی دچار دگرگونی شود؛ همچنین موجب پدید آمدن منطقه نبرد گسترده‌تر و یکپارچه‌تری خواهد بود که در آن نیروهای زمینی، دریایی و هوایی، همکاری هر چه نزدیک‌تری با یکدیگر دارند.

جنگ‌افزارهای دقیق، پنهان‌کاری و فناوری پیشرفته برای مشاهده روشن‌تر صحنه نبرد و ارتباط‌گیری سریع‌تر با نیروهای نظامی، اصلی‌ترین فناوری‌های نظامی ملازم با این تغییرات هستند. البته باید در نتیجه این فناوری‌های تازه، آموزه‌های نظامی نیز دگرگون شود. ارتش‌های آینده اساساً بر نیروهای حرفه‌ای با دانش و آگاهی لازم و نه

نیروهای وظیفه تکیه خواهند داشت؛ همچنین در جنگ‌های آینده، تصمیم‌گیری متمرکز باید در جهت عدم تمرکز خاص عصر اطلاعات، دگرگون شود. از لحاظ نظری، فناوری‌های نظامی پیشرفته‌تر، به نیروهای خط مقدم اجازه خواهد داد تا به اندازه ژنرال‌ها از میدان نبرد با خبر باشند؛ بنابراین بایستی سازمان‌های نظامی با قائل شدن ابتکار عمل بیشتر برای نیروهای خط مقدم، لایه‌زدایی شوند؛ لازم است افزایش مسئولیت‌ها در رده‌های پایین‌تر سلسله مراتب با تقویت سطح مهارت‌ها همراه شود. سازمان‌های نظامی جدید باید از طریق واحدبندی انعطاف‌پذیر نیروها آن اندازه انعطاف‌پذیر باشند که به سرعت از نوعی واحدبندی به نوعی دیگر بروند. تا مجموعه‌ای از نیروها پدید آید که مناسب انجام انواع مأموریت‌ها باشد. (گریفتس، ۱۳۸۸: ۱)

۲-۱-۵. بازیگران جنگ

هر مناقشه‌ای بین تعدادی بازیگر یا کنشگر درمی‌گیرد و نوع مناقشه متأثر از تعداد، نوع و راهبردهای بازیگران است. (cerny, 2000: 624) برای مثال، «مارتین شولتس» در مقاله خود ضمن هشدار وجود یک رقابت و مسابقه تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا، «آمریکا»، «عربستان سعودی» و «داعش» را سه بازیگر کلیدی آینده منطقه غرب آسیا معرفی می‌نماید. (شولتس، ۲۰۱۷) در این مقاله، بازیگران جنگ، کنشگرانی هستند که مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ مشارکت دارند.

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. تحلیل بازیگر

بازیگران یا ذی‌نفعان از نظر «ریچارد ادوارد فریمن» چنین تعریف می‌شود: هر گروه یا فردی که بتواند اهداف سازمان را تحت تأثیر قرار دهد یا تحت تأثیر قرار گیرد. (فیروزنیا و قرنی، ۱۳۹۴: ۸۹۵) واژه Stakeholder را در زبان فارسی می‌توان به دو گروه عمده

مجزا تقسیم کرد: ذی نفع و بازیگر. «ذی نفعان» گروهی هستند که مستقیماً اثرپذیرند و از منافع شرکت، بنگاه، پروژه و برنامه منتفع می شوند و یا «ذینفعان» گروه‌هایی هستند که منفعت، یا سهمی در فرایند تصمیم‌گیری دارند، اما ابزارهای نسبتاً کمی برای اثرگذاری بر تصمیم‌گیری یا نظام (سیستم) دارند. (فیروزنیا و قرنی، ۱۳۹۴: ۸۹۶) ولی «بازیگران» افراد یا گروهی هستند که افزون بر منتفع شدن از منافع بیشتر نقش آفرین هستند. در این مقاله واژه‌های ذی نفع، کنشگر و بازیگر هم‌معنا با تعریفی که از بازیگر ارائه شد، در نظر گرفته شده است.

در فعالیت مشارکتی بیشتر بازیگران بر اساس یک مبنای سست و موقتی شناسایی و انتخاب می شوند. این مسئله امکان زیادی برای به حاشیه راندن گروه‌های مهم، منحرف ساختن نتایج و به خطر انداختن اعتبار بلندمدت و پشتیبانی از فرایند دارد. به این دلیل، روش‌هایی که بتوانند بازیگران یک فعالیت مشارکتی و اجتماعی را به شکل نظام‌مند شناسایی و تحلیل نمایند، با عنوان تحلیل بازیگر مطرح شدند. تحلیل بازیگر ریشه در یک روش معروف‌تر به نام تحلیل ذینفع دارد. (Grimble & Wellard, 1997: 173)

تحلیل ذی نفعان برای نخستین بار در مطالعات کسب و کار و به تدریج از دهه ۱۹۷۰ در سایر زمینه‌ها به کار گرفته شد. تحلیل ذی نفعان به طیفی از ابزارها یا رویکردها برای درک یک سامانه با شناسایی بازیگران اصلی یا ذی نفعان بر اساس صفات، روابط متقابل و ارزیابی منافع مربوط به آنها اشاره دارد. یکی از جنبه‌های اصلی تعامل ذی نفعان، موضوع مشارکت از جمله مشارکت عمومی است. ذی نفعان ممکن است قدرتی نداشته باشند، اما مشارکتشان ضروری است. (فیروزنیا و قرنی، ۱۳۹۴: ۸۹۶)

بر این اساس می توان اظهار کرد: «تحلیل ذی نفعان فرایندی است که بر اساس آن ذی نفعان - بازیگران - شناسایی شوند؛ نقش و سهم آنان در برنامه یا پروژه مشخص گردد؛ نفوذ حقوق و رفتار آنها در تعامل با سایر ذی نفعان و بازیگران (روابط) تحلیل

شود؛ اولویت اثرگذاری و اثرپذیری ذی‌نفعان مشخص شود و در نهایت راهبردهای مورد نیاز تدوین شود و برنامه یا پروژه به اجرا درآید».

همچنین «رئید» تحلیل بازیگر را به صورت فرایندی این گونه تعریف می‌کند:

(۱) جنبه‌های یک پدیده اجتماعی و طبیعی را تعریف می‌کند که تحت تأثیر یک تصمیم یا اقدام قرار دارند؛

(۲) افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی را شناسایی می‌کند که تحت تأثیر تصمیم‌ها قرار داشته و یا می‌توانند بر آن بخش‌های پدیده اثر بگذارند (این مسئله می‌تواند شامل نهادها و نسل‌های آینده باشد)؛

(۳) اولویت این افراد و گروه‌ها برای مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری را مشخص می‌نماید. (Reed, 2009: 1933)

تحلیل بازیگر به شکل فزاینده‌ای با طیف وسیعی از سازمان‌ها در بسیاری از زمینه‌های متفاوت شهرت یافته و در رشته‌های مختلف مانند مدیریت کسب‌وکار، توسعه و مدیریت منابع طبیعی، مدیریت راهبردی، مدیریت پروژه و ... کاربردهای گسترده‌ای دارد. امروزه سیاستگذاران، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، کسب‌وکارها و رسانه‌ها از آن استفاده می‌کنند. (Friedman & Miles, 2006: 9) اگر مرزهای پدیده به شکل واضح تعریف شوند، در آن صورت بازیگران را می‌توان نسبتاً به آسانی شناسایی کرد. با این حال، خطری وجود دارد: ممکن است برخی از بازیگران، به شکل تصادفی حذف شوند و در نتیجه تمام بازیگران مربوط به یک پدیده، شناسایی نشوند. از سوی دیگر، این امکان‌پذیر نیست که تمام بازیگران را در بر بگیرند و باید معیاری برای توقف فرایند شناسایی بازیگران در نظر گرفت. (منطقی و همکاران، ۱۳۹۳)

دسته‌بندی ذی‌نفعان نخستین اقدامی است که پس از تشخیص باید انجام شود. میچل و همکارانش بر اساس رویکرد سه‌گانه قدرت، مشروعیت و ضرورت و ترکیبی از این سه ویژگی، ذی‌نفعان را به هشت گروه به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. ذی‌نفعان نهفته: قدرت برای تحمیل اراده خود دارند، اما رابطه‌ای قانونی یا ادعای ضرورت ندارند، به همین دلیل قدرتشان بدون استفاده باقی می‌ماند.
۲. ذی‌نفعان اختیاری: مشروعیت دارند اما هیچ قدرتی برای نفوذ یا هیچ ادعای ضرورت ندارند. هیچ فشاری برای تعامل و ایجاد رابطه با این ذی‌نفعان در کار نیست.
۳. ذی‌نفعان متقاضی: در موقعیتی هستند که رابطه با ذی‌نفعان با ویژگی انحصاری ضرورت دارد. آنها ادعای ضرورت دارند، اما مشروعیت و قدرت ندارند.
۴. ذی‌نفعان مسلط: قدرتمند و مشروع هستند، نفوذشان در روابط حتمی است و ائتلاف حاکم را تشکیل می‌دهند.
۵. ذی‌نفعان وابسته: بی‌قدرت هستند اما ادعای ضرورت و مشروعیت دارند. آنها برای انجام اراده خود به دیگران وابسته‌اند. قدرت در این رابطه متقابل نیست و از طریق ارزش‌های دیگران حمایت می‌شود.
۶. ذی‌نفعان خطرناک: ضرورت و قدرت دارند اما مشروعیت ندارند و می‌توانند قهرآمیز یا خطرناک باشند. استفاده از قدرت قهری بیشتر با وضعیتی غیرقانونی همراه است.
۷. ذی‌نفعان قطعی: قدرت، مشروعیت و ضرورت دارند. هر ذی‌نفعی با کسب صفات از دست رفته خود می‌تواند به ذی‌نفع قطعی تبدیل شود.
۸. ذی‌نفعان بی‌اعتنا: هیچ کدام از صفات را ندارند و در نتیجه هیچ نوع رابطه‌ای با گروه، سازمان یا پروژه ندارند. (فیروزنیا و همکارش، ۱۳۹۴: ۸۹۸)

۲-۲-۲. روش‌های تحلیل بازیگر

روش‌های متعددی برای تحلیل بازیگر وجود دارند. در عمل، بیشتر رویکردهای تحلیل بازیگر ریشه در متون مدیریت راهبردی دارند. اینکه در عمل چه روشی برای

تحلیلگران مناسب است، به شرایط مسئله بستگی دارد؛ از جمله این شرایط می‌توان به کیفیت تحلیلی، تمرکز روش، ابعاد و مفاهیمی که پوشش می‌دهد، اشاره کرد. در نتیجه ویژگی‌های یک روش تحلیل بازیگر باید مطابق با نیازها و محدودیت‌هایی باشد که نشئت گرفته از موقعیتی است که در آن تحلیلگران خودشان را می‌یابند.

یکی از روش‌هایی که می‌توان از آن در تحلیل بازیگران استفاده کرد، برگزاری کارگاه‌های مشورتی با حضور گروه‌های همگن است. استفاده از این شیوه یا گروه‌های کانونی می‌تواند زمینه شناخت بهتری را از بازیگران و روابط میان آنها و نقش و منافع آنها فراهم آورد. در این زمینه «کالورت» پیشنهاد می‌کند «ذی‌نفعان با طوفان مغزی شناسایی شوند، به گونه‌ای که در آن نام تمام ذی‌نفعان آورده شود». دیگر نویسندگان پیشنهاد می‌کنند از افراد سازمان (نهاد، بنگاه گروه هدف) درخواست شود ذی‌نفعان را نام ببرند. «پلودی و وایتلی» استفاده از فهرست ذی‌نفعان عمومی را پیشنهاد می‌کنند، اما به این رویکرد انتقاد می‌شود که آشکار کردن همه ذی‌نفعان مهم برای یک مورد مشخص، بیش از اندازه کلی است. (Jepsen et al, 2009: 335)

۲-۲-۳. نوع شناسی‌های موجود برای تحلیل بازیگر (ذینفع)

(الف) نوع شناسی روش‌های تحلیل ذینفع بر اساس نظر ریید و همکاران

«ریید و همکارانش» در نوع شناسی خود روش‌هایی را معرفی می‌نمایند که به شناخت بهتر و انتخاب دقیق‌تر روش‌های تحلیل بازیگر در شرایط مختلف منجر شوند. این روش‌ها را می‌توان بر اساس دسته‌های شناسایی ذینفعان، تمایز و دسته‌بندی ذینفعان و بررسی روابط بین ذینفعان تقسیم‌بندی نمود. (فیروزنیا و همکارش، ۱۳۹۴: ۹۰۳)

جدول شماره (۱) روش‌های علمی تحلیل ذی‌نفعان

روش	شرح	گام‌ها				
		شناسایی روابط	تعیین نقش	شناسایی روابط	اولویت‌بندی	ارائه راهبرد
تشکیل گروه تمرکز	گروه کوچک توفان مغزی ذی‌نفعان، منافع، نفوذ و دیگر صفات‌شان و دسته‌بندی آنها	*	*	*	*	*
مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته	مصاحبه با ذی‌نفعان برای بررسی و تکمیل داده‌های گروه متمرکز	*	*	*	*	*
نمونه‌گیری گلوله برفی	شناسایی بازیگران از طریق مصاحبه و دریافت نشانی و مشخصات سایر ذی‌نفعان	*	*	*	*	*
ماتریس‌های منافع/نفوذ	تشکیل ماتریس منافع و نفوذ ذی‌نفعان	*	*	*	*	*
دسته‌بندی ذی‌نفعان از طریق ذی‌نفعان	طبقه‌بندی ذی‌نفعان با کمک خودشان	*	*	*	*	*
روش‌شناسی Q	ذی‌نفعان اظهاراتی را مرتب می‌کنند که از اجتماع بزرگی بیرون کشیده شده است. تحلیل اجازه می‌دهد تا گفتمان اجتماعی شناسایی شود	*	*	*	*	*
ماتریس‌های ارتباط بازیگر	ذی‌نفعان در یک ماتریس دوعده‌ای طبقه‌بندی و روابط آنها توصیف می‌شود	*	*	*	*	*
تحلیل شبکه اجتماعی	شناسایی شبکه‌ای ذی‌نفعان و اندازه‌گیری پیوندهای بین آنها از طریق استفاده از مصاحبه/پرسشنامه ساختاریافته	*	*	*	*	*
ضعف	قوت					
نسبت به برخی جایگزین‌ها کمتر ساخت یافته است	سریع و مقرون به صرفه؛ انعطاف‌پذیر	*	*	*	*	*
زمان‌بر و در نتیجه هزینه‌بر؛ دشوار برای رسیدن به اجماع بر سر طبقات ذی‌نفعان	مفید برای بینش عمیق به روابط ذی‌نفعان و مثلث‌بندی داده‌های گردآوری شده در گروه‌های متمرکز	*	*	*	*	*
امکان سوگیری و انحراف در نمونه‌گیری	آسان برای تأمین امنیت مصاحبه بدون مسائل حفاظت از داده‌ها	*	*	*	*	*
امکان به حاشیه راندن گروه‌های خاصی از ذی‌نفعان	امکان اولویت‌بندی ذی‌نفعان؛ صریح و روشن شدن پویایی قدرت	*	*	*	*	*
امکان ایجاد طبقات بی‌معنی	ذی‌نفعان بر اساس برداشت ذی‌نفعان دسته‌بندی می‌شوند	*	*	*	*	*
همه گفتمان‌های ممکن را شناسایی نمی‌کند، فقط آنهایی را نمایش می‌دهد که ذی‌نفعان مصاحبه شده شناسایی کرده‌اند	گفتمان‌های مختلف اجتماعی یک موضوع را می‌توان شناسایی کرد و افراد را بر اساس «شناسی» خودشان درون این گفتمان‌ها دسته‌بندی کرد	*	*	*	*	*
اگر پیوندهای زیادی توصیف شوند، می‌تواند برای استفاده گیج‌کننده و دشوار باشد	نسبتاً آسان، نیاز کمتر به منابع	*	*	*	*	*
زمان‌بر و کمی کسل‌کننده و نیاز به متخصص دارد	دستیابی به بینش درون مرز شبکه ذی‌نفعان و ساختار شبکه؛ ذی‌نفعان با نفوذ و حاشیه‌ای	*	*	*	*	*

(ب) نوع شناسی روش‌های تحلیل بازیگر بر اساس نظر هرمانز و تیسن

می‌توان گفت که کامل‌ترین دسته‌بندی را هرمانز و تیسن بیان کرده‌اند. آنها در تحقیق خود بر اساس دسته‌بندی شبکه‌ها، برداشت‌ها، ارزش‌ها و منابع، روش‌های تحلیل بازیگر را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کنند. آنها در روش‌شناسی خود یکسری مقتضیات را ارائه می‌دهند که روش‌های تحلیل بازیگر باید آنها را برآورده سازند. روش‌های تحلیل بازیگر باید:

۱. بینشی را برای ویژگی‌های بازیگران چندگانه درگیر ارائه دهند؛
۲. بر یک یا چند بُعد فرایندهای سیاست چند بازیگری (شبکه‌ها، ارزش‌ها، برداشت‌ها، منابع) تمرکز کنند؛
۳. فعالیت‌های تحلیلی خاصی را توصیف کنند؛ به این معنا که روش‌ها یا کاربردهای گذشته را به شکل مفصل توصیف می‌کنند تا به فرد اجازه دهند تا کاربردها را بازسازی نمایند؛
۴. استفاده عملی برای تحلیل نقش بازیگران در سیاستگذاری دنیای واقعی را ثابت نمایند.

آنها با مروری بر متون تحلیل سیاست و پژوهش عملیاتی، ۱۸ روش را شناسایی کرده که به شکل رضایت‌بخشی این مقتضیات را امتیازبندی می‌کنند. اگر چه تحقیق او کاستی‌هایی نیز دارد، اما می‌توان اطمینان داشت که چهار بُعد اصلی از فرایندهای چند بازیگری را پوشش داده و شامل روش‌هایی از حوزه‌های نظری مختلف می‌باشد. (Hermans & Thissen, 2009: 808)

فلسفه نظریه ذی‌نفعان ایجاب می‌کند که ذی‌نفعان شناخته شوند و قدرت نفوذ آنها برای درک تأثیرشان بر پروژه‌ها بازنمایی شود. این دو ویژگی با یکدیگر می‌توانند در ساخت ماتریس دوبعدی مانند قدرت/منافع، سه‌بعدی مانند قدرت/منافع/صفت یا مشابه اینها به کار روند. (Ramos et al, 2011: 133)

جدول شماره (۲) انواع نظریه‌های ذی‌نفعان

نوع نظریه	تمرکز
نظریه توصیفی/تجربی ذی‌نفعان	توصیف چگونگی مدیریت، شناسایی ذی‌نفعان مربوط
نظریه ابزاری ذی‌نفعان	آثار مدیریت ذی‌نفعان بر پیشرفت اهداف مشترک
نظریه هنجاری ذی‌نفعان	بحث بر سر اهداف، بایدها و توصیه‌های هنجاری و اخلاقی
نظریه ترکیبی (یکپارچه) ذی‌نفعان	توجه به جنبه‌های توصیفی، ابزاری و هنجاری نظریه ذی‌نفعان با پیوندهای ناگسستگی

(Horisch et al, 2014: 1)

(ج) الگوهای تحلیل بازیگر (ذینفع)

یکی از الگوهای پایه‌ای تحلیل ذینفعان استفاده از جدول قدرت در مقابل علاقه است که در آن ذینفعان در یک ماتریس دو در دو، طبقه‌بندی می‌شوند. محورهای این جدول عبارت است از میزان توجه یا علاقه به سازمان و دیگری قدرت اثرگذاری بر سازمان. البته باید توجه داشت که قرار دادن گروه‌های مختلف ذینفع در خانه‌های این جدول و انتساب ایشان به آن، به معنای مطلق انگاری میزان علاقه و قدرت نیست، بلکه در هر دو موضوع علاقه و قدرت طیفی از افراد قرار می‌گیرند؛ یعنی حتی در یک خانه از جدول نیز مقدار هر یک از دو متغیر برای ذینفعان حاضر در آن خانه یکسان نیست؛ هر چند باید به مرزهای در نظر گرفته شده که موجب تغییر مفاهیم خانه‌ها می‌شوند، توجه جدی مبذول داشت. نتیجه شناسایی ذینفعان سازمان آنها را در یکی از چهار طبقه مطابق شکل زیر قرار خواهد داد:

علاقه +

نقش‌آفرینان	نهادهای
زمینه‌سازان	عوام

+ قدرت -

شکل شماره (۱) چهار طبقه کلی از ذینفعان

به این شکل چهار طبقه کلی از ذینفعان متناسب با سطح علاقه و قدرتشان شناسایی می‌شوند. این چهار طبقه را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد:

۱. نقش‌آفرینان: ایشان نیز علاقه‌مندی زیاد و هم قدرت قابل توجه دارند که می‌توانند شامل گروه مدیران، مالکان یا سهامداران، سازمان‌های همکار یا رقیب و برخی از کارکنان سازمان باشند.

۲. نهادها: ایشان علاقه زیاد دارند اما قدرتشان اندک است که می‌توانند شامل گروه‌های مهم اجتماعی و شهروندی همچون «ان.جی.ا.» ها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، شوراهای شهر یا شوراهای محلی و حتی برخی دیگر از کارکنان سازمان باشند.

۳. زمینه‌سازان: این گروه قدرت دارند اما علاقه مستقیم آنها اندک است که می‌تواند شامل دولت، سازمان‌های دولتی مانند اداره مالیات، شهرداری و بانک‌ها باشند.

۴. عوام: این گروه افزون بر قدرت اندک، علاقه‌مندی کمی نیز دارند که بیشتر عامه مردم جامعه و افراد معمولی آنرا در بر می‌گیرد. (Bryson, 2003: 9)

یکی دیگر از الگوهای تحلیل ذی‌نفعان، دستیابی به ماتریس دسته‌بندی ذی‌نفعان بر اساس اهمیت و نفوذ آنهاست. تکمیل این ماتریس کمک می‌کند تا فهرستی از بازیگران و ذی‌نفعان به تفکیک اهمیت و میزان نفوذشان تهیه شود.

پایین ←	سطح منافع	→ بالا	بالا ↑
(ب) راضی نگه داشته می‌شوند اهمیت پایین و نفوذ بالا	(الف) بازیگران اصلی اهمیت بالا و نفوذ بالا		قدرت نفوذ
(د) کمترین کوشش اهمیت پایین و نفوذ پایین	(ج) مطلع نگه داشته می‌شوند اهمیت بالا و نفوذ پایین		پایین

شکل (۲) ماتریس دسته بندی ذینفعان

از این رو می‌توان گفت تحلیل ذی‌نفعان در هر برنامه و پروژه‌ای به شناسایی بازیگران و ذی‌نفعان، شناخت قدرت بازیگران و ذی‌نفعان مرتبط با پروژه، شناسایی کمک‌های مورد نیاز، شناخت انتظارات مربوط به پاداش برای مساعدت‌ها و تصمیم‌گیری راهبردی برای ساماندهی استفاده از نفوذ بازیگران و ذی‌نفعان نیازمند است. (Jepsen et al, 2009: 335)

در این تحقیق برای دسته بندی بازیگران، با الهام از الگوهای یادشده، مطابق جدول شماره چهار، از الگوی پیشنهادی ماتریس «قدرت نظامی - منفعت» استفاده شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

یکی از ویژگی‌های تحلیل بازیگران، دامنه گسترده و روش‌های متعدد مورد استفاده برای تحلیل بازیگران است؛ بنابراین در موضوع جنگ زمینی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ج.ا.ایران، از بین روش‌های معرفی شده، پنل خبرگی و مصاحبه نیمه ساخت یافته مورد استفاده قرار گرفته است. اشراف اطلاعاتی اعضای پنل و مصاحبه شونده‌گان در شناسایی بازیگران اصلی از بین تمامی بازیگران و اقدام‌های ممکن ایشان مؤثر است. در جمع‌بندی از روش‌های مختلف تحلیل بازیگران و ذینعان می‌توان گام‌های زیر را به‌عنوان گام‌های تحلیل بازیگران جنگ‌های زمینی آینده ارائه کرد:

۳-۱. گام نخست: شناسایی تمامی بازیگران، کنشگران و ذی‌نفعان

با تهیه فهرستی از بازیگران کنشگران و ذی‌نفعان جنگ در منطقه مورد مطالعه، زمینه برای اجرای مراحل بعدی تحلیل بازیگر آماده می‌شود. نخستین گام در این زمینه، سازماندهی خبرگان مورد نیاز است، بنابراین گروهی از متخصصان و صاحب‌نظران حرفه‌ای نیروی زمینی، نیروی انتظامی و از استادان دانشگاه فرماندهی و ستاد که اشراف اطلاعاتی کاملی از وضعیت منطقه شرق و جنوب شرق کشور داشتند و سوگیری نسبت

به موضوع نداشتند، برای تهیه فهرست کلیه بازیگران با هر درجه اثرگذاری، شناسایی و انتخاب گردیدند.

(الف) نتایج میزهای پنل خبرگی

بر اساس نتایج پنل تخصصی ۵۴ درصد از میزها یعنی ۶ میز از ۱۱ میز منطقه شرق و جنوب شرق کشور را به‌عنوان مسئله خیزترین و مستعدترین منطقه برای ایجاد مناقشه و جنگ در آینده با توجه به روندهای موجود تشخیص دادند.

جدول شماره (۳) نتایج نهایی شش میز پنل خبرگی

چالش‌های منطقه	بازیگران اصلی	تعداد خبرگان میز	میز
واگرایی قومیت‌های منطقه و وجود بستر مداخلات خارجی در پاکستان افزایش فعلیت گروه‌های تروریستی چالش ژئوپلیتیک چالش امنیتی دامن زدن به اختلاف‌های دینی و مذهبی تناوب و شدت میزان تهدیدها	ائتلاف تروریست‌ها، مداخله‌های خارجی	۲ نفر	میز ۲
عدم توسعه در زمینه‌های متعدد و متنوع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سرمایه‌گذاری گسترده رژیم صهیونیستی، گروه‌های معاند ج.ا.ایران و وهابیت و سلفیت نزدیکی به کشورهای بحران‌خیز پاکستان و افغانستان و کشورهای عربی وابسته به عربستان تراکم کم جمعیت در منطقه نزدیکی به آب‌های آزاد	رژیم صهیونیستی، گروه‌های معاند و وهابیت و سلفیت، ائتلاف عربی	۴ نفر	میز ۶
وجود محل‌های بکر و دست‌نخورده و ورود نیروهای فرامنطقه-ای به دلیل وجود زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و ... انطباق با سواحل دریا و خشکی	نیروهای فرامنطقه‌ای، مردم بومی، گروهک-های تروریستی، عربستان، رژیم صهیونیستی، پاکستان	۴ نفر	میز ۸

چالش‌های منطقه	بازیگران اصلی	تعداد خبرگان میز	میز
دسترسی به آب‌های آزاد و سواحل مناسب جهت عملیات مستعد بودن منطقه جهت بروز تنش به علت عدم توسعه پدافند داخلی عدم وجود مراکز نظامی مهم به مقدار کافی عدم وجود عوارض و موانع طبیعی و مصنوعی مهم فعالیت‌های تبلیغی بعضی از کشورهای منطقه با تشکیل مدارس وهابیت	عربستان، گروه‌های تروریستی، کشورهای ستیزه‌جو	۳ نفر	میز ۹
عدم توسعه همه‌جانبه در منطقه و نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد بومی در مناطق مرزی کمبود بازارچه‌های مرزی و مبادلات اقتصادی در مناطق مرزی عدم وجود راه‌های مناسب جاده‌ای در مناطق مرزی راه داشتن به آب‌های آزاد و مرزهای آبی و نیز مرز خشکی با کشور پاکستان و همچنین عدم وجود ناهمواری‌ها و ارتفاعات و وجود سرزمین‌های هموار و پست برای عملیات‌های زمینی وجود محورهای مواصلاتی متعدد موجب می‌شود که زمین منطقه از نظر جنبه‌های راهکنشی (تاکتیکی) آسیب‌پذیر باشد	مردم محلی، کشورهای منطقه، پاکستان، وهابیت و سلفی‌گری	۳ نفر	میز ۱۰
انطباق مرز دریایی و خشکی و وسعت جغرافیایی دارا بودن سواحل مناسب و طولانی تنوع قومیتی و بافت جمعیتی و مذاهب مختلف و وهابیت و عناصر تکفیری سواحل مناسب برای اجرای عملیات آبی - خاکی منطقه مناسب جهت عملیات زیرسطحی قدرت رزمایش یگان‌های شناور در این منطقه نزدیکی به اقیانوس هند مسلح کردن قبایل و طوایف منطقه داخلی	قبایل مسلح محلی، نیروهای فرامنطقه‌ای، وهابیت و عناصر تکفیری	۶ نفر	میز ۱۱

(ب) نتایج مصاحبه با خبرگان

تمام مصاحبه‌شوندگان محتمل‌ترین مناطق کشور برای شکل‌گیری جنگ زمینی در آینده را شرق و جنوب شرق کشور اعلام نمودند؛ همچنین مصاحبه‌شوندگان، بازیگران اصلی جنگ زمینی احتمالی در این منطقه را به شرح زیر برشمردند:

جدول شماره (۴) نتایج مصاحبه با خبرگان

خبرگان مورد مصاحبه	بازیگران از نظر مصاحبه شوندهگان
مصاحبه شونده ۱	گروهک‌های مخالف نظام، عربستان، آمریکا
مصاحبه شونده ۲	آمریکا، انگلستان، عربستان، سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی، گروه‌های ستیزه‌جو (معاند) و مخالف نظام
مصاحبه شونده ۳	اشرار منطقه‌ای، داعش، طالبان، عربستان، آمریکا و نیروهای فرامنطقه‌ای، پاکستان
مصاحبه شونده ۴	گروه‌های معارض مسلح (داعش، نفاق، طالبان)، عربستان، کشورهای همسو با عربستان، رژیم صهیونیستی، آمریکا، اقوام بلوچ تجزیه طلب
مصاحبه شونده ۵	داعش، طالبان و سایر گروه‌های تکفیری، اقلیت‌های قومی مذهبی، عربستان، رژیم صهیونیستی، آمریکا
مصاحبه شونده ۶	آمریکا، رژیم صهیونیستی، ناتو، ائتلاف عربی، ترکیه، عربستان، گروهک‌های ستیزه‌جو (طالبان و داعش)
مصاحبه شونده ۷	شبه نظامیان پاکستان و افغانستان (داعش، طالبان، القاعده)، پاکستان، عربستان، آمریکا، منافقین
مصاحبه شونده ۸	عربستان، ترکیه، پاکستان، افغانستان، هند، قطر، کشورهای حوزه خلیج فارس، داعش، وهابیت
مصاحبه شونده ۹	ائتلاف ضدتروریسم کشورهای عربی، وهابیت، عربستان، نیروهای فرامنطقه‌ای، کشورهای غربی

۲-۳. گام دوم: شناسایی نقش و اهمیت بازیگران

با استفاده از ماتریس سنجش قدرت نظامی، نفوذ و منافع، میزان اهمیت و نقش بازیگران به تفکیک شناخته می‌شود. در این مرحله مشخص می‌شود که هر بازیگر در مقایسه با سایر بازیگران چه میزان قدرت نفوذ و جایگاه دارد.

جدول شماره (۵) الگوی پیشنهادی ماتریس قدرت نظامی - منفعت

بازیگران با قدرت نظامی بالا و منافع بالا	بازیگران با قدرت نظامی بالا و منافع پایین
بازیگران با قدرت نظامی پایین و منافع بالا	بازیگران با قدرت نظامی پایین و منافع پایین

جدول شماره (۶) ماتریس سنجش قدرت نظامی - منفعت

ردیف	کلیه بازیگران/ذینفعان	میزان قدرت نظامی	میزان منفعت
۱	آمریکا	بالا	بالا
۲	ناتو	بالا	بالا
۳	رژیم صهیونیستی	بالا	بالا
۴	شاخه‌های داعش	بالا	نسبتاً پایین
۵	گروهک‌های تروریستی محلی	پایین	پایین
۶	طالبان افغانستان	پایین	پایین
۷	طالبان پاکستان	پایین	پایین
۸	عربستان	بالا	پایین
۹	ائتلاف عربی	بالا	پایین
۱۰	ترکیه	بالا	پایین
۱۱	گروهک منافقین	نسبتاً بالا	نسبتاً بالا
۱۲	بلوچستان پاکستان	پایین	بالا
۱۳	رادیکالیسم قومی و وهابیت	پایین	پایین
۱۴	هند	بالا	ندارد
۱۵	پاکستان	بالا	ندارد
۱۶	کشورهای همسایه شمالی	بالا	ندارد

۳-۳. گام سوم: دسته‌بندی بازیگران مرتبط با جنگ زمینی آینده در منطقه موردنظر

یکی از مراحل حساس تحلیل بازیگران، دسته‌بندی بازیگران بر اساس نقش و وزنی است که در فرایند جنگ ایفا می‌کنند. دسته‌بندی بازیگران این امکان را فراهم می‌آورد که بستر لازم برای ساماندهی گروه‌های همسرخ و شناسایی بازیگران اصلی فراهم شود. بازیگران اصلی و اساسی بر موفقیت یک برنامه، فعالیت یا پروژه تأثیر زیادی می‌گذارند.

جدول شماره (۷) دسته‌بندی بازیگران

طبقات اصلی	طبقات اصلی	طبقات فرعی
نوع‌شناسی بازیگران اصلی جنگ زمینی احتمالی آینده	نیروهای مداخله‌گر	آمریکا
		ناتو
		رژیم صهیونیستی
	گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی	شاخه‌های داعش
		گروهک‌های تروریستی محلی
		طالبان افغانستان و طالبان پاکستان
	قدرت‌های رقیب	عربستان
		ائتلاف عربی
		ترکیه
	گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فروملی	گروهک منافقین
		بلوچستان پاکستان
	تجزیه‌طلبان	رادیکالیسم قومی و وهابیت

۴-۳. گام چهارم: شناسایی روابط بازیگران

مطالعه رفتار بازیگران و تعامل هر بازیگر با سایر بازیگران یا تعارض منافع یا ائتلافی که ممکن است میان تعدادی از بازیگران در فرایند اجرا شکل بگیرد، ماهیت و عمق روابط موجود را شناسایی می‌کند. از این روابط می‌توان بستر مناسبی برای ساماندهی و تقویت نقش بازیگران اصلی فراهم کرد.

جدول شماره (۸) روابط بین بازیگران

بازیگران	روابط درونی	روابط بیرونی
قدرت مداخله‌گر	آمریکا بازیگر مستقل اصلی، ناتو و رژیم صهیونیستی هم‌پیمان وابسته با آمریکا	قدرت مداخله‌گر بازیگر مستقیم و سایر بازیگران بازیگر نیابتی نسبت به مداخله‌گر
قدرت‌های رقیب	عربستان بازیگر اصلی، کشورهای عربی هم‌پیمان وابسته به عربستان	قدرت رقیب بازیگر نیابتی قدرت مداخله‌گر و سایر گروه‌ها بازیگر نیابتی قدرت رقیب
گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی	داعش بازیگر اصلی و سایر گروهک‌ها وابسته	بازیگر نیابتی
گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فروملی	منافقین بازیگر اصلی و سایر مخالفان نظام وابسته	بازیگر مستقیم و نیابتی
تجزیه‌طلبان	تجزیه‌طلبان خارجی بازیگر اصلی و تجزیه‌طلبان داخلی بازیگر وابسته	بازیگر مستقیم و نیابتی

۳-۵. گام پنجم: تعیین نقش بازیگران بر اساس اهداف و قدرت نظامی بازیگران
 آخرین گام از تحلیل بازیگران جنگ زمینی آینده علیه ج.ا.ایران در منطقه مورد مطالعه، شناسایی نقش هر یک از بازیگران است. این نقش بر اساس اهداف بازیگران و قدرت نظامی هر بازیگر شناسایی می‌شوند که برای شناسایی قابلیت‌های بازیگران و در نهایت شناسایی قابلیت‌های ج.ا.ایران برای ایجاد آمادگی لازم جهت ایجاد بازدارندگی یا جلوگیری از غافلگیری در مقابل اقدام‌های ممکن و محتمل بازیگران شناسایی شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۹) نقش بازیگران جنگ بر اساس اهداف و قدرت نظامی بازیگران

نقش	بازیگران
قدرت نظامی محرک، حضور مستقیم و غیرمستقیم در جنگ، حمایت مالی و اطلاعاتی، تأمین کننده سلاح و تجهیزات	قدرت مداخله‌گر
حمایت ایدئولوژیکی، مالی، حضور مستقیم و غیرمستقیم	قدرت‌های رقیب
جنگنده مستقیم، تخریب، اقدام‌های تروریستی	گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی
جنگنده مستقیم، ستون پنجم، اقدام‌های تروریستی	گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فروملی
جنبش چریکی طولانی مدت، پشتیبانی ژئوپلیتیکی و اقتصادی	تجزیه‌طلبان

۳-۶. تحلیل بازیگران جنگ زمینی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران

(الف) قدرت مداخله‌گر

نظام بین‌الملل، متشکل از نظم‌های منطقه‌ای است که در همه این مناطق قدرت‌های مداخله‌گر، به نسبت حساسیت جایگاه و عدم انسجام ساختاری نظم منطقه‌ای حضور دارد. «بوزان» در سطح منطقه‌ای، نهاد مدیریت قدرت‌های بزرگ را به دو نوع «مدیریت قدرت بزرگ از سطح جهانی به سطح منطقه‌ای» و «مدیریت قدرت بزرگ منطقه‌ای در درون منطقه» تقسیم می‌کند. به اعتقاد بوزان، نوع اول مدیریت قدرت‌های بزرگ، معلول دو عامل «فشار خارجی» و «کشش تقاضای محلی» است. (Buzan & Pelaez, 2009: 100)

«کاتزنشتاین» معتقد است پس از جنگ سرد و با افول منطقه‌گرایی بسته، شاهد منطقه‌گرایی آمریکامحور و ایجاد مناطق پرمنفذ هستیم که بر اساس آن «امپراتوری آمریکا، بلبرینگ در وسط یک چرخ، با تعداد زیادی از سیم‌پره‌های منطقه‌ای است». (قاسمی و عین‌الهی، ۱۳۹۵: ۱۱) بر این مبنای، قدرت مداخله‌گر در شکل‌دهی نظام‌های واپایش (کنترل) نظم و فرایندهای منطقه‌ای، نقشی تعیین‌کننده دارد. البته در این راستا انشقاق مذهبی، مهم‌ترین حفره ساختاری و درگاه ورودی قدرت مداخله‌گر برای بهره‌گیری از گروه‌های ضدسیستمی در جهت طراحی و تحقق نظم مطلوب خود بوده است. (قاسمی و عین‌الهی، ۱۳۹۵: ۱۲)

(ب) قدرت‌های رقیب

به دلیل عدم وجود نظم منطقه‌ای مشخص در حوزه غرب آسیا، کشورهای قدرتمند این منطقه سعی دارند نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند؛ بنابراین کشورهای همسایه ایران از تقویت نقش و نفوذ ج.ا.ایران در منطقه احساس نگرانی دارند. رقابت با ج.ا.ایران در اثرگذاری بر منطقه و همچنین مقاومت در برابر اثرپذیری، موجب بروز اختلاف بین این کشورها گردیده است. بیشتر کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای عربی به دنبال حفظ نظام دیکتاتوری خود هستند و برخی نیز به دنبال دموکراسی غرب‌محور می‌باشند. از مهم‌ترین اهداف مشترک آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی، هدایت تحولات جهان عرب به مسیر دلخواه و در نهایت تغییر توازن قوای منطقه‌ای به سود خود است. در این زمینه، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در تلاش هستند از ایجاد تغییرات سیاسی در کشورهای متحد ج.ا.ایران حمایت و با تغییرات در کشورهایی که به سود ج.ا.ایران پایان می‌پذیرد، مخالفت کنند.

(ج) گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی

با وجود سابقه طولانی، نقطه عطف در تاریخ گروه‌های ضدسیستمی به دوران جنگ سرد و پس از آن، به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بازمی‌گردد. این گروه‌ها در ورای

مرزهای یک دولت خاص و مخالفت با ساختار و مرزهای شبکه منطقه‌ای یا جهانی شکل گرفته و به صورت تهاجمی عمل می‌نمایند. وجه تمایز گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی در مقایسه با گذشته، در قدرت‌گیری، نفوذ و دستیابی این گروه‌ها به فناوری و تسلیحات و منابع مالی است که تا پیش از آن در انحصار دولت‌ها بوده است؛ این امر، توان تجزیه و ترکیب گروه‌های ضدسیستمی را در مناطق آشوب افزایش داده است؛ به گونه‌ای که قابلیت تشکیل حکومت دارند. گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی می‌توانند به‌عنوان ابزاری از سوی قدرت‌های مداخله‌گر برای انشقاق‌سازی، ترکیب واحدها یا تجزیه آنها استفاده شوند؛ همچنین این گروه‌ها در وضعیت بن‌بست راهبردی، میان قدرت‌های اصلی یا قدرت‌های منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی کاربرد دارند. گروه ضدسیستمی یک کنشگر غیردولتی، خواهان تغییر در زیربنای منطقی، یا حداقل ساخت فیزیکی نظام ملی، منطقه‌ای یا جهانی است.

(ه) گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی (منافقین)

این گروه‌ها درون مرزهای یک دولت خاص و در سطح اجتماعی و مخالفت با ساختار شبکه ملی شکل می‌گیرند. این گروه‌ها نسبت به گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی منافع بسیار بیشتر و اهداف قوی‌تری برای اقدام نظامی دارند، ولی برای اقدام نیاز به حمایت کشورهای دیگر دارند؛ سطح اقدام آنها نیز در سطح کمتری است.

(و) تجزیه‌طلبان

این دسته از بازیگران خواستار خودمختاری و شکل‌گیری یک کشور مستقل هستند. بخشی از یک یا چند کشور که دارای ویژگی‌های یکسان نژاد، قومیت، زبان و فرهنگ هستند، وارد مرحله‌ جدیدی از خشونت با ایجاد یک جنبش چریکی طولانی مدت می‌شوند، در این هنگام چشم‌انداز جنگ، تمام کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

نتایج پیل تخصصی، مصاحبه‌های انجام شده، روندهای موجود و اتفاق‌هایی که در منطقه غرب آسیا در حال انجام می‌باشد، حاکی از این است که مستعدترین منطقه کشور برای شکل‌گیری مناقشه و جنگ در آینده، منطقه شرق و جنوب شرق ایران است. این منطقه برای اینکه صحنه درگیری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه با موضوع و بهانه مناقشه‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی باشد، از وضیت بسیار مستعدی برخوردار است و اگر همسایگان شرقی ج.ا.ایران یعنی پاکستان و افغانستان نتوانند همکاری مناسبی برای ایجاد امنیت پایدار در منطقه داشته باشند، این منطقه آستان جنگ‌های خونین با بازیگران متعدد و با اهداف چندگانه شامل ضربه زدن به ج.ا.ایران، واپایش حوزه امنیتی چین و روسیه، تغییر حکومت افغانستان و استقلال بلوچستان خواهد شد.

این تحقیق به دنبال پاسخ به سه سؤال اساسی بوده است:

سؤال اصلی: بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران در

منطقه شرق و جنوب شرق کشور و دسته‌بندی آنها کدامند؟

پاسخ: بازیگران جنگ‌های زمینی آینده در پنج نوع شامل قدرت‌های مداخله‌گر،

قدرت‌های رقیب، گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی، گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فروملی و تجزیه‌طلبان طبقه‌بندی شدند.

سؤال فرعی اول: نقش هر یک از بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده

در منطقه شرق و جنوب شرق ایران چیست؟

پاسخ: با توجه به نتایج تحقیق، نقش هر یک از بازیگران بر اساس اهداف و نیز

قدرت نظامی‌شان تعیین می‌گردد. قدرت‌های مداخله‌گر، با بیشترین قدرت نظامی و نفوذ، از نقش مهم‌تری نسبت به سایر بازیگران برخوردارند. آمریکا و هم‌پیمانان آن

(ناتو و رژیم صهیونیستی) به عنوان بازیگران مداخله‌گر و فرامنطقه‌ای با نقش‌های مستقیم، حمایتی، اطلاعاتی و غیرمستقیم در منطقه حضور خواهند یافت. سازمان‌های اطلاعاتی قدرت مداخله‌گر به‌ویژه رژیم صهیونیستی نقشی بسیار مهم خواهند داشت. بنابراین می‌توان جنگ آینده را ترکیبی از جنگ نیابتی و جنگ مستقیم در منطقه دانست. قدرت رقیب «عربستان» به عنوان مهم‌ترین رقیب و به همراه ائتلاف عربی افزون بر مشارکت مستقیم در جنگ، نقش حمایتی مالی، تجهیزاتی و آموزش دادن به نیروهای جنگنده و سایر پشتیبانی‌های مورد نیاز را انجام خواهند داد و همچنین هدایت اقدام‌های تروریستی را نیز برعهده خواهند داشت. ترکیه نیز به عنوان یک قدرت رقیب منطقه‌ای به فراخور شرایط، اقدام‌های حمایتی خواهد داشت.

گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی و گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فروملی و تجزیه‌طلبان بلوچستان پاکستان و ایران، مهم‌ترین بازیگران خط مقدم نیروهای ستیزه‌جو را تشکیل خواهند داد.

سؤال فرعی دوم: روابط حاکم بین بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران چیست؟

پاسخ: هر دسته از بازیگران دارای روابط درونی بین خود و روابط بیرونی با سایر دسته‌ها می‌باشند. در دسته مداخله‌گر، در روابط درونی، آمریکا به عنوان بازیگر مستقل اصلی، ناتو و رژیم صهیونیستی هم‌پیمان وابسته به رفتار آمریکا عمل خواهد نمود و در روابط بیرونی، سایر بازیگران، بازیگر نیابتی نسبت به قدرت مداخله‌گر خواهند بود. در دسته قدرت رقیب، در روابط درونی، عربستان و ترکیه بازیگر مستقل و کشورهای عربی وابسته به عربستان هستند و در روابط بیرونی، قدرت رقیب رابطه محرک نسبت به گروه‌های ضدسیستم و تجزیه‌طلب و رابطه نیابتی نسبت به قدرت مداخله‌گر دارد. سایر دسته‌ها نیز افزون بر اینکه بر اساس اهداف خود عمل خواهند کرد، به نیابت از قدرت رقیب و مداخله‌گر وارد جنگ خواهند شد.

۲-۴. پیشنهادها

این تحقیق در منطقه شرق و جنوب شرق کشور و در حوزه جنگ زمینی انجام شده است؛ بنابراین برای اینکه کلیه بازیگران جنگ‌های احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران شناسایی گردند، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات مشابهی در سایر مناطق محتمل و نیز در سایر حوزه‌ها از جمله هوایی، دریایی و پدافندی صورت پذیرد و قابلیت‌های مورد نیاز برای هر حوزه شناسایی شوند.

فهرست منابع

۱. احمدی پور، زهرا، طهمورث حیدری و اکبر میرجلالی، (۱۳۹۰)، تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*.
۲. حیدری، محمد و سهراب انعامی علمداری، (پاییز ۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، شماره سوم.
۳. رشید، غلامعلی، غلامرضا محرابی، فتح‌الله کلانتری، شهرام شجاعی و داوود زنجانی، (زمستان ۱۳۹۳)، واکاوی الگوی حاکم بر جنگ آینده و مقایسه آن با جنگ هشت‌ساله و جنگ‌های اخیر، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
۴. سیفی، عبدالمجید، ناصر پورحسن، (بهار ۱۳۹۵)، موازنه همه‌جانبه و ائتلاف سازی عربستان سعودی در قبال ج.ا.ایران، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۶.
۵. فریدمن، جورج، (۱۳۹۴)، *ایران، عربستان و توازن قدرت در خاورمیانه*، ترجمه مؤسسه راهبردی اشراف، قابل دسترسی در: www.eshraf.ir
۶. فیروزنیا، قدیر، بهروز قرنی‌آرانی، (زمستان ۱۳۹۴)، به‌کارگیری تحلیل بازیگران در فرایند ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۶، شماره ۴.
۷. قاسمی، فرهاد، بهرام عین‌الهی معصوم، (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، شکل‌گیری گروه‌های ضدسیستمی در شبکه ژئوپلیتیک، *فصلنامه جهان اسلام*، دوره ۴، شماره ۸.

۸. کلانتری، فتح‌الله، (پاییز ۱۳۹۵)، تدوین راهبردهای کلان جنگ ترکیبی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
۹. گریفیتس، مارتین، (۱۳۸۸)، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، چاپ دوم، نشر نی.
۱۰. محبوبی، قربانعلی و همکاران، (بهار ۱۳۹۲)، حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱)، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، سال دوم، شماره اول.
۱۱. محرابی، علیرضا و محمد اقتدارنژاد، (پاییز ۱۳۹۳)، مدل تبیینی ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با ج.ا.ایران (با تأکید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه‌ای) *مطالعات شبه قاره*، شماره ۲۰.
۱۲. محمدحسینی، مسعود، عباس علیپور، (بهار ۱۳۹۱)، سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیستم، شماره ۷۸.
۱۳. منطقی، منوچهر، امیرعلی سیف‌الدین، محسن اکبرپور شیرازی و علی زارع میرک‌آباد، (۱۳۹۳)، بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده‌پژوهی، *اولین کنفرانس بین‌المللی ابزار و تکنیک‌های مدیریت*، تهران، مؤسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
۱۴. میررضوی، فیروزه، (۱۳۹۳)، *ریشه تنش‌های مکرر میان ایران و پاکستان*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
۱۵. میرکوشش، امیرهوشنگ و محمدمهدی مظاهری، (بهار ۱۳۹۲)، تبیین ژئوپلیتیکی مناقشه قومی در بلوچستان پاکستان، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال اول، شماره ۴.
۱۶. شفیعی، نوذر، صدیف عطائی و مهرداد پهلوانی، (۱۳۹۲)، تأثیر حضور آمریکا در افغانستان بر امنیت ملی ج.ا.ایران با تأکید بر واقع‌گرایی تهاجمی (۲۰۱۲-۲۰۰۱)، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۱.
17. Borum, Randy, (2011), Radicalization into Violent Extremism I: a Review of Social science Theories, *Journal of Strategic Security*, volume 4, issue 4.
18. Bowie, C. J., Haffa, R. P., Mullins, R. E, (2003), *Future War: What Trends in America's Post-Cold War Military Conflicts Tell Us About Early 21st Century Warfare*, Northrop Grumman Corporation, USA.

19. Bryson, John M, (2003), What To Do When Stakeholders Matter: A Guide to Stakeholder Identification and Analysis Techniques, presented at the National Public Management Research Conference, (9-11 October 2003), The Georgetown University Public Policy Institute, Washington, D.C.
20. Buzan, Barry, & Ana G. Pelaez, (2009), International Society and the Middle East: English School Theory at the Regional Level, New York: Palgrave Macmillan.
21. Cerny, Philip G. The New Security Dilemma: Divisibility, (October 2000), Defection and Disorder in the Global Era, *Review of International Studies*, vol. 26, no. 4.
22. Cordesman, Anthony H, (July 2015), 21st Century Conflict: From Revolution in Military Affairs (RMA) to Revolution in Civil-Military Affairs (RCMA).
23. Currie, Russell R, Seaton, Sheilagh, Franz Wesley, (2009), Determining Stakeholders for Feasibility Analysis, *Annals of Tourism Research*, Vol. 36, No. 1.
24. Gulm, Julie, (2015), Saudi Arabia's Youth Unemployment Problem among King Salman's Many New Challenges after Hunter, Shireen, (2014), The Roots of Recurring Iranian-Pakistani Tensions, Published by the Lobi log Foreign policy, Published on October 23.
25. Schulz, Martin, (2017), The Middle East's future: US, Saudi Arabia and ISIS, three key players. German Politicsmeanspolitics.
26. Clarke, T., Clegg, S, (1998), Changing Paradigms: the Transformation of Management Knowledge for the 21st Century .Harper Collins ,London
27. Freeman, R. E, (2010), Strategic management: A stakeholder approach .Basic Books ,New York.
28. Friedman, Andrew & L Miles, (2006), Stakeholders: theory and practice, Oxford University Press.
29. Frooman, J., (1999). Stakeholder influence strategies .Academy of Management Review.
30. Grimble, R., Wellard, K, (1997), Stakeholder methodologies in natural resource management: a review of concepts, contexts, experiences and opportunities .Agricultural Systems.
31. Hermans, L. M & .Thissen, W. A, (2009), Actor analysis methods and their use for public policy analysts. *European Journal of Operational Research*.
32. Hermans, L., Kwakkel, J., Thissen, W., Koppenjan, J & .Bots, P, (2010), Policy analysis of multi-actor systems .The Hague :Lemma.

33. Horisch, Jacob, Freeman, R. Edward, Schaltegger, Stefan, (2014), Applying Stakeholder Theory in Sustainability Management: Links, Similarities, Dissimilarities, and a Conceptual Framework, *Organization & Environment*, published online, DOI: 10.
34. Jepsen, Anna Lund; Eskerod, Pernille, (2009), Stakeholder Analysis in Projects: Challenges in using current guidelines in the real world, *International Journal of Project Management*.
35. Johnson, N, Lilja, N, Ashby, J A & Garcia, J. A, (August 2004), The practice of participatory research and gender analysis in natural resource management. In *Natural Resources Forum* Vol. 28, No. 3, Blackwell Publishing Ltd.
36. Mitchell, R.K., Agle, B.R., Wood, D.J, (1997), Toward a theory of stakeholder identification and salience: defining the principle of who and what really counts. *Academy of Management Review*.
37. Reed, M. S., Graves, A, Dandy, N, Posthumus, H, Hubacek, K., Morris, J Stringer, L. C, (2009), Who's in and why? A typology of stakeholder analysis methods for natural resource management. *Journal of environmental management*.
38. Ramos, Jorge, Santos, Miguel N, Whitmarsh, David, Costa Montei, Carlos, (2011), Stakeholder Analysis in the Portuguese Artificial Reef Context, Winners and losers, *Brazilian Journal of Oceanography*, 59 (special issue CARAH).
39. Mitroff, I. I, (1983), Stakeholders of the organizational mind. San Francisco :Jossey-Bass.

